

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از اعضای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۳۰ جون ۲۰۲۴



تداوم انقیاد، تسلیم طلبی و خیانت "اعلامیه ویژه" نویسان تحت نام و آرم «ساما»

(۱۲)

نسبت دادن مواضع انحرافی و خط تسلیم طلبانه به "ساما" و اغتشاش آفرینی در این زمینه:

به رغم وجود اینهمه فاکت و شهود در مورد تفکر و عملکرد انحرافی راست و تسلیم طلبانه باند رهبری مطرود از ساحت ساما و ارتکاب خیانت ملی و تاریخی اعضای این باند رسوا، اعلامیه نویس در کمال بی حیائی و پرروئی بیپوده تلاش می ورزد تا وصله های ناجور و تکه پاره های تسلیم طلبانه در مورد "شکار فرصت" (تعریف سیاست از دید وی) را به قامت رسا و موضع گویای خط مشی انقلابی و آزادیخواهانه ساما بچسباند و با بافتن این اراجیف، بر زخم های ناسور سازمان و هم‌رزمان دیروزی نمک بپاشد. در صفحه پانزدهم "اعلامیه ویژه" این اراجیف تسلیم طلبانه را به ساما نسبت داده و به رغم واقعیت طرد این باند از ساما به جرم خیانت، به غلط "کمیته مرکزی" خاطی و مطرود را "امتداد کار رسمی سازمان" و خط انحرافی تسلیم طلبانه را ادامه مشی انقلابی سازمان، پنداشته است:

"کمیته مرکزی و رهبری سازمان امتداد کار رسمی است که به صورت انتخابی از یکی به دیگری منتقل شده، یعنی از کنفرانس مؤسس در سرطان ۱۳۵۸ ه.ش، شروع - بعد اولین کنگره سازمان (۱۳۵۹)، دومین کنفرانس سرتاسری ۱۳۶۲ ه.ش - کنفرانس کادر ها و فعالین و ایجاد نهادی به نام نهاد اجرائی بازسازی (ناب) - کنفرانس کادر ها و فعالین پس از سقوط داکتر نجیب در داخل کشور در ۱۳۷۱ ه.ش - دومین کنگره سازمان حمل ۱۳۷۵ ه.ش - سومین کنفرانس سرتاسری در داخل افغانستان و تا حال ادامه دارد. آیا در این گزارش می تواند شکی وجود داشته باشد؟"

بلی، بدون شک و تردید هم در این گزارش شک وجود دارد و هم عناصر صداقت و امانت گزارشگر در این گزارش و شبیه سازی غیرصادقانه و غیرامانتدارانه مشهود و آفتابی است. در تاریخ چهار و نیم دهه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)، آن عده از جلسات کنگره ها، کنفرانس ها و پلنوم ها که در خط بنیانگذاران سازمان و بابت استحکام و

تداوم مشی سازمان پس از تدارک کافی و به شیوه دموکراتیک تدویر یافته، جامعیت سازمانی را منعکس کرده، اراده جمعی اعضای سازمان را به طور محتدانه تمثیل کرده و مورد حمایت اعضای اصولی سازمان بوده اند؛ هم مکانیسم تدویر آن و هم کلیت مصوبات هر جلسه در سازمان رسمیت دارد. کنفرانس مؤسس، دو کنگره، کنفرانس سرتاسری عقرب - قوس ۱۳۶۲ش و کنفرانس کادر ها و فعالین و ایجاد نهادی به نام نهاد اجرائی بازسازی (ناب) و پس از تدویر جرگه خیانت تسلیم طلبان و شرکاء، کنفرانس کادر ها و فعالان ساما مؤرخ هژدهم ثور ۱۳۹۰ش از این جمله اند. کنفرانس کادر ها و فعالین پس از سقوط داکتر نجیب در داخل کشور در ۱۳۷۱ش بنا بر آشفتهگی ناشی از تبعات مرگ "رهبر" و تشتت تشکیلاتی منبعث از جا به جایی افراد تشکیلاتی، نه دموکراتیک بود و نه به رغم بیرون دادن سند طولانی در مصوباتش، از یک تحلیل جامع و سیستماتیک در مورد رویداد های کشور و جهان، جا به جایی تضاد ها و نیرو های طبقاتی برخوردار بود. پلنوم کمیته مرکزی پس از اشغال نظامی کشور توسط نیرو های متجاوز و اشغالگر امریکا و شرکاء در هفتم اکتوبر سال ۲۰۰۱ میلادی و در تداوم آن «نشست چهارگانه فعالین و کمیته مرکزی "قلابی"» و در اخیر هم "کنفرانس سرتاسری" نامنهاد یا همان جرگه ارتجاعي - تسلیم طلبانه اول دلو ۱۳۸۹ش که خط تسلیم طلبانه را همراه با هر ۴ تن افراد باند تسلیم طلب بار دوش سه محفل لوکالیست - تسلیم طلب و شرکای بیرونی آنها ساخت و تسلیم طلبی را در این بخش رسمیت بخشید.

این سه جلسه تسلیم طلبانه با روش های کاملاً ضد دموکراتیک، استبدادی، گزینشی، تحریم واحد ها و افراد اصولی و مدافع خط در واحد های سازمانی داخل و خارج توطئه گرانه تدویر یافته بود، نه مکانیسم تدویر آن دموکراتیک بود و نه مصوبات انحرافی و تسلیم طلبانه آن اقبال پذیرش سازمانی یافت.

در گذشته ها در سه کنفرانس، دو کنگره و چند پلنوم کمیته مرکزی تکیه و تأکید بر خط برنامه زنده یاد مجید بانی ساما و تقویت و تداوم آن صورت گرفته و رهبران و کادر های زیادی به ویژه زنده یاد "قیوم رهبر" در عین برخورداری از حمایت صفوف سازمانی در راه زیده ساختن ساما عرق ریزی و جان نثاری کردند.

اینک برای وضاحت مسأله و تفکیک جلسات اصولی ساما از جلسات نامنهاد و تسلیم طلبانه مرکزیت خاطی مطرود و نشان دادن این که جلسات تسلیم طلبان و مصوبات انحرافی آن، ادامه سیاست انقلابی ساما نبوده و وصله ناجور تسلیم طلبانه ایست که این منحرفان زرپرست در تلاش بیهوده برای چسباندن آن بر پیکر ساما اند، محتوای هر یکی از این جلسات را از ابتداء تا انتها مرور فشرده ای می کنیم:

- **کنفرانس مؤسس ماه سرطان ۱۳۵۸ش** سنگ بنای سازمان را ریخته و رسماً میلاد پرآوای آن را اعلام داشت. برای تحقق این مأمول جلسه ای به اشتراک یازده تن (مشمول همه گروه ها) برگزار شد و سه روز دوام کرد. "مهم ترین موضوعی که در این جلسه به بحث گرفته شد این بود که: جمع ما از کدام موضع طبقاتی و پذیرش کدام ایدئولوژی، در جنبش انقلابی و جنگ آزادیبخش ملی شرکت می ورزد. پس از بحث گرم و پرشور - که وقت بیشتر جلسه را در بر گرفت - به اکثریت قاطع آراء تصویب شد که: ما از ایدئولوژی مارکسیسم و از موضع طبقه کارگر پیروی و حرکت می کنیم. همین جلسه بعداً به نام «کنفرانس مؤسس ساما» شهرت یافت. در همین کنفرانس سفارش شد که برنامه سازمان با کلمات برهنه و ترمینولوژی مروج و عریان مارکسیستی ارائه نگردد، بلکه با استفاده از واژه های تبیین کننده همان اصطلاحات و مفاهیم به صورت مستعار و پوشیده بیان شود. بدین ملحوظ بود که برنامه سازمان به زبان پوشیده و مستور به رشته تحریر درآمد. و باز در همین کنفرانس به اثر صلاح و لزوم دید شاملین آن - به شکل دموکراتیک - موارد ذیل به تصویب رسید: (۱) اعضای اصلی کمیته مرکزی و منشی اول آن تعیین گردید؛ (۲) اعضای کمیته تشکیلات؛ (۳) کمیته تحقیق تنوریک تعیین شد؛ (۴) اعضای علی البدل کمیته مرکزی معرفی شد؛ (۵) نام سازمان

آزادبخش مردم افغانستان (ساما) گذاشته شد. که با وقوع این رویداد (در ماه سرطان ۱۳۵۸ش) سازمان ساما ایجاد گردید. "(رسالة انحراف)

- نخستین کنگره ساما علاوه از انتخاب هیأت رهبری و کمیته های کار، مسوده برنامه به قلم مجید را تصویب کرده و رسمیت بخشید، هرچند در غیاب رفقای خط دهنده مؤسس، خود دچار یک دو آلیسم فکری - سیاسی شد و در تعاقب آن مبارزه میان دو خط در ساما متباز شد. از لحاظ سیاسی، بزرگ ترین دستاورد این کنگره موضعگیری آن علیه اشغال نظامی کشور توسط ارتش اشغالگر سوسیال امپریالیسم شوروی بر پایه تحلیل مسوده برنامه و تأکید بر تداوم جنگ مقاومت ملی از موضع ملی - مترقی و سهمگیری مستقیم ساما در نبرد مسلحانه آزادبخش و انقلابی علیه دشمن متجاوز و چاکران بومی آن (مشتی از خائنان ملی)، به اهتزاز نگه داشتن شعار "یا مرگ یا آزادی" مجید و همزمان فعال ساختن نشرات ملی - دموکراتیک ساما (دوره اول ندای آزادی) در قلب استحکامات دشمن در خط آزادبخش، با وجود همه کاستی هایش، بود.

- کنفرانس سرتاسری ۱۳۶۲ش با حمایت قاطع و بی دریغ اکثریت کادر ها و اعضای سازمان با دو انحراف ایدئولوژیک - سیاسی یکی تسلیم طلبی ملی و دیگری لیبرالیسم "تازه اندیشی" از موضع خط رسمی و غالب سازمان تصفیة حساب کرده و آن دو انحراف راست را به زباله ریخت. در این خصوص، فرازی از صحبت زنده زنده یاد "قیوم رهبر" رهبر گرانمایه ساما را در محفل گرامیداشت از روز هژدهم جوزا از اثر گرانسنگ آن زنده یاد معنون به "آئینه قدنما..."، می آوریم: «مسأله ای که بعد از گرفتاری رفیق شهید همیشه مورد بحث بود، را روی میز کنفرانس آورد و به طور قاطع و همه جانبه به آن پاسخ گفت، و آن مسأله کراکتر و خصلت سازمانی ما است. سازمان ما از کدام موضع طبقاتی به جنبش آزادبخش برخورد می نماید. خود در کدام موضع طبقاتی قرار دارد؟ این مسأله ای بود که سال های سال در سازمان - این جا و آنجا - زمزمه می شد. هر کس بنا بر موقعیت خود در سازمان و بنابر اوضاع و شرایط از آن تفسیر هائی می داد. و بدین صورت تا جایی که ما شاهدیم، عده زیادی از کادر ها و اعضای سازمان ما از لحاظ ایدئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و سبک کار در منجلا ب ایده آلیسم در غلتیده و فاسد شده بودند»، «تازه اندیشان که کاملاً به لیبرالیسم بورژوائی در غلتیده بودند، گمان نمی کردند که سازمان و کادر های وفادارش این گونه در موضع مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون استوار بایستند».

- کنفرانس کادر ها و تشکیل "نهاد اجرایی بازسازی" (ناب) چنانی که از نامش پیداست، برای استحکام و زبده سازی تشکیلات ساما و جذب کادر های جوان در این نهاد اجرائی تحت رهبری سازمان در زمان حیات "رهبر" دعوت و تشکیل شد.

- دومین کنگره ساما بنا بر تشنت ناشی از تسلیم طلبی طبقاتی و پیامد طبیعی آن - ضربات حادثه سقوط طیاره - با آن ترکیب ناجور و با منطق کمی هرچند عاجز از طرح و حل مسأله تسلیم طلبی طبقاتی (تسلیم طلبی مزار) و ابهامات تئوریک - سیاسی جلسه نیمروز بود و خود زمینه ساز تسلیم طلبی جاری مرکزیت منحرف و مطرود شد؛ با آنهم تصفیة حساب با خط راست لیبرالی "اعلام مواضع" و توجه به انسجام فکری، سیاسی و تشکیلاتی سازمان، از دستاورد های آن شمرده می شود. در همین کنگره نویسنده "اعلامیه ویژه" بر وجود "جلوه های تمدن نسبی بورژوازی کمپرادور" معترف و معترض بود.

زمانی که با اشغال افغانستان امپریالیسم اشغالگر با کرو فر و با شعار های دروغین دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی بیان و سرکوب طالبان و القاعده وارد معرکه شد و نهاد های روبنائی پوشالی با خصلت کمپرادوری و ساخته و پرداخته اشغالگران در بخش های سیاسی، مدنی، رسانه ئی، فرهنگی، آزادی بیان، حقوق بشر و حقوق زنان

ظاهر شدند، سه چهار تن از اعضای کمیته مرکزی به خصوص همین اعلامیه ویژه نویس در مقام تنوریسین تسلیم طلبی با همراهانش مسحور و مفتون این "جلوه های تمدن نسبی بورژوازی کمپرادور" و کر و فر نهاد های استعماری و مستعمراتی شده و در نقش کاسه داغ تر از آش، مأموریت "تمدن سازی" امپریالیسم اشغالگر و غدار امریکا - ناتو را ستودند و به استقبال آن اشغالگران شناقتند.

- پلنوم مکروریان: متعاقب اشغال نظامی کشور توسط نیرو های متجاوز و اشغالگر امریکا و شرکاء در هفتم اکتوبر سال ۲۰۰۱ میلادی، در زمستان سال ۱۳۸۰ش چند ماهی پس از اشغال افغانستان، در غیاب اعضای علی البدل کمیته مرکزی و تکمیل نبودن نصاب تدویر پلنوم، کمیته مرکزی با بالا کشیدن دو سه تن بلی گوی، پلنوم کمیته مرکزی که به پلنوم بدنام "مکروریان" مشهور است، را دعوت کردند. از کمیته تشکیلات دو عضو در آن اشتراک داشتند.

در این پلنوم کمیته مرکزی سرباند مفتن در نقش تنوریسین تسلیم طلبی ترهات تسلیم طلبانه خود را بیرون داد که در تاریخ ساما به "تنوری تچ" مشهور شد و تعدادی از همکاران که شنا کردن خلاف جریان آب را از یاد برده بودند، این تنوری تسلیم طلبانه را تقویت کردند و در برابر نمایندگان اقلیت "کمیته تشکیلات" کسب اکثریت کرده و انحراف خود را تصویب کرده و رسمیت بخشیدند و نمایندگان اقلیت هم پس از استدلال محکم تنوریک - سیاسی در مورد امپریالیسم و اشغال، جلسه را ترک کرده و انحراف مرکزیت خاطی و تسلیم طلب را به اطلاع تشکیلات و واحد های سازمانی رسانیدند و دست به کار شدند و کادر ها و تشکیلات سازمان را علیه مرکزیت منحرف تسلیم شده بسیج کردند. طبق فیصله های پلنوم مزبور، تنوریسین تسلیم طلبی "تضاد امپریالیسم با فنودالیسم واقعی، نه تصنعی" خواند و "طبق گزارش کتبی یکی از دو رفیق شرکت کننده و معترض در آن پلنوم، بر طبق تحلیل تنوریسین تسلیم طلبی در شکل ارائه "تنوری تچ"، "امپریالیسم بر آنست که به کشور ما ترقی، تمدن، تکنیک و دموکراسی بیاورد و برای آن که چنین کند، باید فنودالیسم و نمایندگان سیاسی آن - اخوان - را بزند. بناءً، تضاد عمده جامعه ما با فنودالیسم و مسأله روز آن، مسأله دموکراسی است، نه آزادی ملی!" و از این مغالطه تسلیم طلبانه نتیجه گرفتند که "چون قوت های خارجی" (امپریالیست ها) به کشور ما برای چنین مأموریتی مترقی "حضور" دارند، ما باید اسم و رسم سازمان را همراه خود سازمان « ۹ متر زیر زده»، رهبری امپریالیسم را پذیرفته و برویم پی کار دموکراتیک علنی".

کار دموکراتیک علنی هم از منظر همین تسلیم طلبان عبارت بوده است از غیر از "بسیج و تهییج کلیه نیرو های ضد امپریالیسم و فنودالیسم"، سپر انداختن در برابر دشمن متجاوز، زدودن وجه تمایز ساما با گروه های ارتجاعی در معادله جاری قدرت، جدا کردن رفورمستی برنامه حداقل سازمان از برنامه حداکثرش و زدودن کاراکتر ایدئولوژیک - طبقاتی ساما به عنوان پیشاهنگ طبقه کارگر و سائر زحمتکشان کشور، و سرانجام بازتعریف لیبرالی ساما در وجود شعار های سه گانه آزادی ملی که خود به عنوان تسلیم شدگان به امپریالیسم، با آن میانه ای نداشته اند، دموکراسی بدون تعریف و عدالت اجتماعی مبهم و تعریف نشده و حذف شعار اساسی ترقی اجتماعی از موضع رشد مداوم نیرو های مولده و طبقه کارگر کشور. آری، همین است مفهوم "کار دموکراتیک علنی" تسلیم طلبانه در کشور اشغال شده که در عین حال به مذاق امپریالیسم و ارتجاع نیز جور در می آید.

جوفروش گندم نما در حالی جلسات تسلیم طلبانه را ادامه جلسات معتبر سازمانی می داند که یکی با تسلیم طلبی و انحراف لیبرالی از موضع ایدئولوژی و مشی سازمان مقابله می کند، ولی این پلنوم رسوا به شیوه ضد دموکراتیک و فرصت طلبانه بر له خط تسلیم طلبانه علیه خط انقلابی و ضد امپریالیستی ساما، علیه درک ساما از پدیده تاریخی امپریالیسم، از دگرگونه شدن مأموریت امپریالیسم و از "تقابل اساسی امپریالیسم و فنودالیسم" دم می زند. این اوج سالوسی و ریاکاری یک عنصر وقیح است. در همین پلنوم یک تن از اعضای کمیته مرکزی بی شرمانه گفته بود که

«اگر اولاد من یک مرمی بالای امریکائی ها شلیک کند، من در گور خود ناراحت خواهم شد». در همین پلنوم "کمیته مرکزی زیر نام اغواگر و فریبنده کار دموکراتیک، گزینه ایجاد حزب علنی را بر گزید، و با تخطئه و زیرپا گذاشتن اصول عام مارکسیسم-لنینیسم بر این تئوری غلط و تسلیم طلبانه ملی و طبقاتی اصرار ورزید که گویا: «امپریالیسم برای سرکوب فئودالیسم و بنیادگرایی مذهبی و موازی با آن برای دموکراتیزه کردن حیات سیاسی کشور ما آمده است». (به نقل از رساله انحراف)

تئوریسین تسلیم طلبی در ادامه برای اشاعه مواضع خود در ماه می سال ۲۰۰۳ به اروپا سفر کرده و در جلسه مشترک با فعالان واحد اورپا که دو فرد غیر تشکیلاتی از کانادا نیز در آن حضور داشتند، درک سرا پا تسلیم طلبانه، وارونه و ارتجاعی اش از مأموریت امپریالیسم و رابطه سرشتی و پیوند تاریخی امپریالیسم و فئودالیسم را چنین ارائه کرد: "تضاد امپریالیسم با فئودالیسم واقعی است، نه تصنعی!" که با مخالفت صریح اکثریت حاضران جلسه مواجه شد و شرکت کنندگان جلسه ضرورت دعوت تدویر سومین کنگره معیاری سازمان را مطرح کرده بودند. این در حالی بود که واحد تشکیلاتی کانادای ساما در ماه سپتامبر ۲۰۰۳ میلادی طی نامه ای مفصل رویونیسم و عدول تسلیم طلبانه مرکزیت سازمان را انتقاد کرده و تغییر در خط مشی سازمان در یک پلنوم را از لحاظ آئین نامه ئی بالاتر از حد صلاحیت کمیته مرکزی و در محدوده صلاحیت عالی ترین مرجع سازمانی (کنگره) دانسته و تا ماه جون سال بعد (۲۰۰۴م) خواهان تدارک و دعوت همه جانبه کنگره سازمان شده بود و چون این خواست عملی نشد، سلب اعتماد خود را از کمیته مرکزی منحرف و تسلیم طلب اعلام داشت.

متعاقباً، جلسه مشترک مسئولین و کادر های اروپا (۱۹ جنوری ۲۰۰۸) در شهر ایسن المان دائر شد و در پی تشکیل جلسه ای به اشتراک واحد های (اروپا، کانادا و امریکا) برآمد. این پیشنهاد در قطعنامه همین جلسه مشترک واحد اروپا چنین آمده است:

«از آنجائی که مرکزیت سازمان مدت شش سال است که اعضای خود را در بی خبری گذاشته و از سازمان هیچ اثر و نشانی بیرون نداده است؛ از سوئی هم به همه فیصله های که به هیأت های اعزامی ما، به ویژه هیأت مشترک اروپا و امریکا به عمل آورد، پشت پا زده و حال بدون هیچ مجوز تشکیلاتی و آئین نامه ئی خواهان ارسال گزارش گردیده، جلسه مشترک مسئولین و کادر های اروپا ارسال هر گونه گزارش را قاطعانه رد می کند و تا زمانی که برگزاری نشست بزرگ بر مبنای فیصله های قبلی که در رأس آن کمیسیون تدارک متشکل از نماینده های منتخب کلیه آحاد تشکیلاتی قرار دارد، عملی نشود، از ارسال گزارش خودداری می ورزد. ما متکی بر اصول تشکیلاتی سازمان هرگز حاضر نیستیم به چنین نشستی که مرکزیت آن را بدون ارتباط واحد های تشکیلاتی و بدون تدارک اصولی برگزار کند، نام کنگره یا جلسه باصلاحیت سازمانی بدهیم و فیصله های آن را غیراصولی و غیرقابل پذیرش و اجراء می دانیم. طبیعی است که در چنین به اصطلاح جلساتی شرکت نمی کنیم. هیچ کس حق ندارد بدون انتخاب جمعی، افراد را به سلیقه و میل خود به نشست های سرنوشت ساز سازمان بگمارد و یا از شرکت در آن نفی کند.

اگر مرکزیت سازمان خودسرانه زمانی را برای برگزاری نشست بزرگ تعیین می کند و نشستی را بدون تدارک و نظر آحاد تشکیلاتی برپا می دارد، واحد های اروپا، کانادا و امریکا به خود حق می دهند که نه تنها از طریق مبارزات درونی، بلکه از طریق رسانه های گروهی حقانیت مبارزاتی خود را به اطلاع اعضای خانواده بزرگ ما و به سمع مردم افغانستان که پیشکسوتان و شهدای این سازمان در برابر آنها سوگند یاد کرده اند، برسانند و اعلام بدارند که سازمانی که طراحان و رهروان آن شهید مجید، شهید رهبر و صد ها سر به کف دیگر بودند، نمرده، بلکه در پناه توطنه

ای نه تنها در حلقوم آن چنگ انداخته شده و نمی گذارند که فریادش بلند شود، بلکه در بازار مکاره سیاست های امپریالیستی بر سر آن معامله گری می کنند.»

- به اصطلاح "کنفرانس سرتاسری" یا همان جرگه ارتجاعی - تسلیم طلبانه اول دلو ۱۳۸۹ش که خط تسلیم طلبانه را همراه با هر ۴ تن افراد باند تسلیم طلب بار دوش سه محفل لوکالیست - تسلیم طلب و شرکای بیرونی آنها ساخت و تسلیم طلبی را در این بخش رسمیت بخشید، بوده است.

"در ساما از زمان تدویر پلنوم رسوای مرکزیت در زمستان ۱۳۸۰ش الی دلو ۱۳۸۹ش دو خط ایدئولوژیک - سیاسی متعارض در مقابل هم صف آرائی کرده و به تبع آن دوالیسم و پلورالیسم تشکیلاتی نیز طی این مدت به حیاتش ادامه می داده است و اعضای سازمان متأثر از این وضعیت خواهان جدی تدویر سومین کنگره سازمان بوده اند تا در آن عالی ترین اجلاس سازمانی اپورتونیسم و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی و "خیانت مرکزیت به موقعیت تاریخی اش" را به محاکمه بکشانند. ولی پیشدستی و تبنانی مرکزیت مطرود [و شرکاء] از تدویر چنین جلسه عالی سازمانی جلو گرفت. جرگه اول دلو ۱۳۸۹ش که توطئه گرانه و کودتاگرانه توسط مرکزیت تسلیم طلب و عناصر راست و توطئه گر [همکار تسلیم طلبی] با شتاب و اضطراب تدارک دیده شد، افراد فاقد صلاحیت تئوریک و تشکیلاتی را بر اساس مصلحت جانبین به شیوه انتصابی فراخوانده و با تحریم خط ایدئولوژیک - سیاسی اصولی سازمان و روابط تشکیلاتی آن که بیشترین و منسجم ترین بخش های تشکیلات "ساما" را [در واحد های عمدتاً درونی و بیرونی کشور] در حول خود داشت؛ عمدتاً بین مرکزیت مطرود و "سه فراکسیون لوکالیست دارای «گرانت فراکسیون» و یک جمع موید فاقد «گرانت فراکسیون»] دائر شد. بناءً، این جرگه به هیچ وجه صلاحیت تشکیلاتی، حقوقی و تئوریک تصمیم گیری در گستره سازمان را نداشته و تصمیمات آن ابدأ در تشکیلات "ساما" و جاهت و اعتبار قانونی ندارد. یک چنین جرگه ای ارتجاعی به شیوه فنودالی، غیردموکراتیک، توطئه گرانه و انتصابی مصلحتی در غیاب خط فکری - سیاسی انقلابی نه برای حل مشکلات "ساما" فراخوانده شده بود و نه توانائی و صلاحیت خط پایانی کشیدن به پای جدل عمده سازمانی در سازمان را داشت." (نقد ندای آزادی جدید)

مصوبات جرگه ارتجاعی و تسلیم طلبانه اول دلو ۱۳۸۹ش:

جرگه نامبرده به شیوه ضد دموکراتیک، گزینشی، سازشی و توأم با تحریم افراد و واحد های سازمانی (واحد های تشکیلاتی داخل، واحد تشکیلاتی کانادا و کادر های تئوری پرداز و مدافع خط انقلابی ساما در واحد اروپا) ضد آئین نامه ئی و توطئه گرانه در خط انحرافی دائر شده بود. "نه به تمام واحد های تشکیلاتی قبلاً موضوع تدویر جلسه در میان گذاشته شده بود. نه کمیسیون تدارک که مورد تأیید و قناعت همه واحد ها باشد به وجود آمده بود. نه تمام واحد های تشکیلاتی توسط یک کمیته مطابق آئین نامه تنظیم شده بود که باز نماینده منتخب خود را به این جلسه می فرستادند. و نه مرجعی وجود داشت که موارد اختلافی را نقد و سره می کرد و از آن میان مسائل مهم و اساسی مورد اختلاف را مورد مذاقه، نقد و بررسی قرار می داد و به آگاهی عموم اعضاء می رساند." (رساله انحراف)

با چنین رویکرد و مکانیسمی ناقص، مصوبات آن ابدأ نمی توانست، دارای موضع صریح ضد اشغال امپریالیستی، دموکراتیک و انقلابی باشد. این هم پاره ای از مصوبات و فیصله های رسمی آن که آشکارا در تضاد با خط انقلابی و موضع صریح ضد امپریالیستی ساما اند:

سرانجام جرگه فرمایشی و ارتجاعی اول دلو ۱۳۸۹ش در همان محتوا و ترکیب پیشگفته، به شکل انتصابی مصلحتی فراخوانده شده و به تصاویر ذیل به اتفاق آراء دست یافت:

۱ - برخورد و بررسی انحرافات تئوریک و ایدئولوژیک و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی مرکزیت منحرف و مردود و هم‌رهی آنان با اشغالگران و قبول رهبری امپریالیست‌های اشغالگر توسط مرکزیت رسوا و چگونگی روابط مشکوک شان با عناصر و نهاد‌های بدنام و اخذ و جر‌های شان به عنوان مسائل غیرعاجل و فاقد اولویت، به بعد موکول شد. (!؟)

۲ - اعضای شرکت‌کننده جرگه فرمایشی محصول توطئه... به اتفاق آراء اعضای مرکزیت منحرف مطرود را با شناخت کامل شان برای مدت دو سال دیگر به رهبری خویش برگزیدند تا آنها را عمیق‌تر به "کجراهه خیانت" ببرند و... جرگه با روال خیلی عادی [به رغم برخورد‌های لفظی و فزیک‌ی میان فراکسیونی] به کارش تا آخر ادامه داد که خود نشانه رضایت... [شرکت‌کنندگان] از رهبری تسلیم‌طلب و منحرف شان است.

۳ - در جرگه با یک رأی احساسی مخالف، همه... جداً و متفقاً فیصله و ثبت پروتوکول کردند که داشتن احزاب فاسد علنی و راجستر شده و خادم اشغالگران، به عنوان "مدرسه تربیت دموکراتیک افراد"، یک دستاورد بزرگ است و باید این دستاورد بزرگ حفظ شود.

۴ - پس از موافقت بر ابقای دو ساله رهبری مرکزیت گمراه و "خائن به موقعیت تاریخی شان" و پذیرش آن از جانب شرکت‌کنندگان این جرگه ارتجاعی و تسلیم‌طلبانه، دستور نشر "ندای آزادی جدید" در خط مورد توافق جانبین صادر شد.

۵ - قرار شد که مرکزیت تحمیلی تسلیم‌طلب تا دو سال دیگر در مورد آینده این جرگه "لیبرال - تسلیم‌طلب" که اسم و آرم "ساما" را ملوث ساخته اند، تصمیم بگیرد.

۶ - جرگه در فیصله‌ها و اسناد رسمی خود قادر به درج قبول موقعیت اشغالی کشور ما توسط امپریالیست‌های اشغالگر امریکا - ناتو و سازمان ملل (آیساف) نشده و علی‌رغم انتظار شرکای "فاقد گرانت فراکسیونی" قطعنامه آن جرگه هرگز به اطلاع عموم بیرون داده نشد و مواردی دیگر... (به نقل از رساله درون سازمانی "نقد ندای آزادی جدید")

- آخرین جلسه تسلیم‌طلبان، «نشست چهارگانه فعالین و کمیته مرکزی» «قلابی» مؤرخ ۲۱ میزان تا ۱۱ عقرب ۱۳۹۱ شمسی بود که متعاقب جرگه فرمایشی و ارتجاعی اول دلو ۱۳۸۹ش در خط تسلیم‌طلبانه جرگه دائر شد. پروتوکول این جلسات تا آنجا که از نظر ما گذشته است، در عین انعکاس بحران فکری - سیاسی و نارضایتی برخی از اعضای این باند از عدم موفقیت در خط تسلیم‌طلبی، در ادامه خط تسلیم‌طلبانه جرگه اول دلو بر چند مسأله متمرکز بوده است:

۱- ایدئولوژی زدائی:

در پروتوکول به نقل از سردهسته باند تسلیم‌طلبان در این نشست چهارگانه چنین می‌خوانیم: «اندیشه‌ها در افغانستان وارداتی بود. فورمول‌های قبلی نه در افغانستان، نه در جهان و نه در سازمان سر جای خود نیست. اعتقادات خود را باید تکمیل کنیم. تعیین نقاط ایدئولوژیک و مرز ایدئولوژیک ساخته شود. مشخص ساختن ایدئولوژی سازمان».

۲- تأکید کوتوله تسلیم‌طلبان بر ایجاد احزاب تسلیم‌طلب علنی و راجستر شده و تنزل سازمان تا سرحد یک سازمان رفورمیست علنی با قبول سلطه جابر کهن استعماری امپریالیسم به کشور و زدودن وجه تمایز و صبغه پیشرو طبقاتی و ضد امپریالیستی آن:

«وجود حزب برای برآمد دموکراتیک و برآمد یک فرد به بیرون ضروری است؛ سازمان باید علنی شود؛ دیگر جنگ ممکن نخواهد بود، کشور های خارجی سرمایه گذاری کرده اند، مشکل است که جنگ صورت بگیرد، فشار خارجی بالای پاکستان زیاد است».

۳- طرح "تغییر" رویزیونیستی خط مشی ساما و "تعیین تکلیف" تسلیم طلبانه توسط سر مفتن باند تجدید نظرطلب:

«اینجا می خواهیم برای اولین بار این موضوع را مطرح کنم که دو راه داریم: آیا ما به عنوان یک نسل حق داریم که چیز های جدیدی مطرح کنیم؟ از این جا دیگر مسؤلیت آن به پای ماست، نه به پای مجید شهید، سرمد و آثر. آیا ما این صلاحیت را داریم؟ و یا بگوئیم ما این صلاحیت را نداریم و همان مسائل را بدون کم و کاست قبول داریم و حق تغییر را نداریم. باید تعیین تکلیف کنیم.»

این ها در حالی مجدداً مطرح می شود که شما اعضای این باند ضد انقلابی و تسلیم شده به امپریالیست های متجاوز "یازده سال پیش از این - در پلنوم مکروریان - چیز نو مطرح کرده و بدون مشوره و اخذ رأی اعضای سازمان «تعیین تکلیف» نمودید (حزب علنی ساختید، در پروسه انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری دولت دست نشانده و مونتاژ شده کنفرانس بن شرکت نمودید و چند تن نامزد از جانب خود معرفی کردید، تجاوز عریان امپریالیست ها را موجه و آمدن آنها را به فال نیک گرفته و تئوری ارتجاعی سرکوب فئودالیسم توسط امپریالیسم اشغالگر را عرضه نمودید، و زیر اشغال درآمدن کشور ما را یک نظریه نادرست گفتید).

- کنفرانس کادر ها و فعالان ساما ("کنفرانس احیاء و تداوم ساما") مؤرخ هژدهم ثور ۱۳۹۰ شمسی: در قطعنامه این کنفرانس در مورد انحراف آشکار مرکزیت منحرف مطرود از مواضع ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی ساما چنین می خوانیم:

"بقایای مرکزیت غیر قانونی که مدتهاست از نظر تشکیلاتی بی صلاحیت شده، دامنش را تا توانست آلوده ساخت و با سفسطه تئوری «تج امپریالیسم با فئودالیسم و عمده ساختن دموکراسی در شرایط اشغال» و رقابت با گروه های منحرف چپ نمای «ان جی او باز» به گنداب تسلیم طلبی ملی و طبقاتی درغلتید. سرانجام بقایای مرکزیت و همپالکی هایش با تشکیل جرگه ای به رسم جرگه های حاکمیت مستعمراتی و احزاب ارتجاعی عمدتاً با استفاده از عقب ماندگی همراهانشان صف خود را از صف شهداء، تاریخ و مشی و ایدئولوژی سازمان جدا کرده و بر منجلاب خود متمکن شدند و آن را ایجاب اوضاع و شرایط نامیدند. از تجاوز انکار می نمایند، تشکیلات و اصول تشکیلاتی را نفی کردند، ایدئولوژی را ناکاره خواندند و یک قلم در اپورتونیزم راست و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی فرو رفتند." (قطعنامه کنفرانس احیاء و تداوم (ساما))

"درست پس از آن که منحرفان مرکزیت تسلیم طلب با عناصر فتنه گر راست و معدود [شرکای] سازشکار با دعوت جرگه ارتجاعی اول دلو ۱۳۸۹ ش راه شان را از راه "مجید - رهبر" و راهیان صدیق فعلی آنان، یعنی از اکثریت اعضای اصولی و باورمند "ساما" جدا کرده و به گودال انحراف و افتضاح سقوط کردند، اعضای اصولی سازمان در محور خط انقلابی تداوم راه پیشگامان انقلابی خود، کار را یکسره دیده و سکوت را ناجائز شمردند. در چنان وضعیتی رهبران، کادر ها و اعضای باورمند، آگاه و مصمم "ساما" در واحد های سازمانی مختلف بر اساس آمادگی ها و تدارکات نسبی قبلی که به کمسیون تدارک گرفته شده بود، دست به کار شده و با تدویر کنفرانس کادر ها و فعالین "ساما" موسوم به "کنفرانس احیاء و تداوم ساما"، سامای "مجید - رهبر" و جانباختگان و رزمندگان پاکباز دیگر را که مرکزیت مردود "زیر زده بود"، از زیر آوار خیانت ها و تسلیم طلبی مرکزیت... بیرون کشیده و با تبارز و آرایش

نیرو های سازمانی در خط انقلابی در وجود "ساما - ادامه دهندگان"، درفش خونرنگ رزم "مجید" و همزمانش را به اهتزاز درآورده و با برافراشتن آن، اندرین راه تجدید تعهد نمودند. ("رساله نقد ندای آزادی جدید)

"... کادر ها و فعالین ساما تا حال به خاطر نجات عده ای نیالوده از این ورطه، مدارا جویانه عمل کرده بودند، دیگر کار را یکسره دیدند و نهایتاً برای جلوگیری از انحلال سازمان به تدویر " کنفرانس کادر ها و فعالین سازمان آزادیبخش مردم افغانستان" (ساما) در هژدهم ثور ۱۳۹۰ ش اقدام نموده و ضمن تحلیل، تجزیه و نفی کامل انحرافات، مکرراً بر تداوم راه شهداء تا رسیدن به آرمان والای شان تعهد بستند و با انسجام بهتر خود و صفوف پاکباز سازمان چون سدی آهنین در مقابل پلورالیسم تشکیلاتی و انحلال قرار گرفتند. ("پویندگان و ادامه دهندگان در امتداد زمان).

زان پس سامائی های راستین، اصولی و مصمم در امتداد همین خط انقلابی و ضد امپریالیستی بر محور تضاد عمده هر مقطع جامعه ما به وظایف دموکراتیک و انقلابی خود عمل کرده اند.

این بود مرور فشرده جلسات معتبر سازمانی و سه جلسه تسلیم طلبانه به رؤیت مصوبات هر جلسه و وجه تمایز جلسات اصولی از جلسات تسلیم طلبان و عدم تعلق جلسات ارتجاعی منحرفان و فیصله های انحرافی و تسلیم طلبانه آن به سامای انقلابی. سامائی ها نه تنها این جلسات مسخره و رسوا به سان جرگه های ارتجاعی را همراه با مصوبات آن قابل قبول و از خود نمی دانند و لکه ننگ آن به دامن ساما و سامائی ها نمی نشینند، بلکه با قاطعیت و صراحت تا آخرین فرد علیه آن موضع شفاف انقلابی داشته و دارند.

ادامه دارد